

بررسی تطبیقی مجازاتهای تبعی و تکمیلی در ق.م.ا. ۱۳۹۲ با ق.م.ا. ۱۳۷۰

پرویز ناصری *

چکیده:

با تصویب قانون مجازات اسلامی در اول اردیبهشت سال ۱۳۹۲ فصل دوم از بخش دوم کتاب اول (کلیات) به مجازاتهای تبعی و تکمیلی اختصاص داده شد که نسبت به قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ دارای تغییرات اساسی است. بررسی نوآوری‌های این قانون در خصوص مجازاتهای مذکور و مطابقت مواد آن با قانون سابق، موضوع پژوهش حاضر را که در آن از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده به خود اختصاص داده است. هرچند که قانون مجازات اسلامی جدید در مبحث مجازاتهای تبعی و تکمیلی دارای ایراداتی است اما قانونگذار این مجازاتها را به صورت منسجم و در فصلی جداگانه تدوین نموده و با افزودن موادی جدید راههای تخفیف و کاهش این مجازاتها را به صراحت بیان داشته و سعی نموده است از هم گسیختگی مواد قانون مجازات اسلامی سابق را جبران کند

واژگان کلیدی: مجازات تبعی، مجازات تکمیلی، محرومیت از حقوق اجتماعی

*کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، مدرس دانشگاه

۱. مقدمه

مجازات تبعی به موجب قانون به تبع حکم محکومیت کیفری قطعی بی آنکه در حکم دادگاه قید شود به عنوان مکمل مجازات اصلی نسبت به محکوم علیه بار می‌شود. مصادیق مجازات‌های تکمیلی مورد نظر قانونگذار نیز مانند مجازات‌های تبعی، محرومیت از حقوق اجتماعی را برای مرتکب به دنبال خواهد داشت، با این تفاوت که مجازات‌های تکمیلی از همان ابتدا با مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد و در رأی دادگاه قید می‌شود.

در این تحقیق به این مساله پرداخته می‌شود که چرا از اعمال مجازات‌های تبعی و تکمیلی آنچه را که مورد انتظار قانونگذار بوده حاصل نشده و مطالب این تحقیق پاسخی است به این سؤال که تدوین مجازات‌های تبعی و تکمیلی در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ تا چه اندازه نواقص و کاستی‌های قانون سابق را مرتفع نموده است؟ و این قانون از دیدگاه حقوقدانان چه ایرادات و ابهاماتی دارد؟

این تحقیق در پی نیل به اهداف و نتایجی به شرح ذیل می‌باشد و امید است تا از این رهگذر بتوان به شناختی اجمالی از موضوع تحقیق دست یافت.

(۱) بررسی مواد مربوط به مجازات‌های تبعی و تکمیلی در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و تبیین نقاط قوت و ضعف آن نسبت به قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ (۲) بررسی ماهیت و اهداف مجازات‌های تبعی و تکمیلی (۳) شرایط اعمال و وجه اشتراک و تمایز مجازات‌های مذکور

۲. معنا و مفهوم مجازاتهای تبعی و تکمیلی

مجازات اصلی، مجازاتی است که قانونگذار برای جرم معینی پیش بینی کرده و مستقیماً مورد حکم قرار می‌گیرد و اجرای آن مستلزم صدور حکم قطعی دادگاه است. گاهی علاوه بر مجازات اصلی با توجه به نوع جرم ارتكابی و درجه‌ی اهمیت آن، قانون، مجازات دیگری را هم تعیین می‌کند که این مجازات اضافی را تبعی و گاهی تکمیلی گویند. مجازات‌های تبعی نیازی به ذکر شدن در حکم دادگاه ندارد و همیشه اجباری هستند اما مجازات‌های تکمیلی حتماً باید در حکم دادگاه قید شوند (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ص ۳۰۳ و ۳۰۴).

۳. وجه اشتراک و تمایز مجازاتهای تبعی و تکمیلی

۳-۱-۱. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

۳-۱-۱. وجه اشتراک : وجه مشترک مجازاتهای تکمیلی با مجازاتهای تبعی آن است که اولاً هر دو دسته ناظر بر محرومیت مجرم از حقوق اجتماعی می‌باشند و ثانیاً هر دو مجازات به لحاظ بیم حالت خطرناک مجرم پیش بینی گردیده‌اند و ثالثاً هر دو مجازات ناظر بر جرائم هستند.

۳-۱-۲. وجه تمایز : یکی از جهات تمایز این که مجازات‌های موضوع ماده‌ی ۱۹ ق.م.ا. ۱۳۷۰ الزاماً می‌بایست در متن حکم آورده شوند؛ ولی مجازات‌های تبعی محدود کننده، نیاز به درج در متن حکم ندارد و به دنبال مجازات اصلی اعمال می‌شوند، وجه دیگر تمایز این است که مجازات‌های تکمیلی عمدتاً و عملاً ناظر بر اقامت اجباری یا منع اقامت در محل معین بود، ولی مجازات‌های تبعی دامنه‌ی وسیع تری

داشته و شامل محرومیت از حقوق اجتماعی، اعم از محرومیت از داوطلب شدن برای شوراها، داور شدن در جلسات رسمی و تصدی مشاغل آموزشی و استخدام در دواير دولتي بود (اسکندري، ۱۳۸۲، ص ۶۴). از ديگر وجوه تمايز اين که مجازات‌های تبعی مخصوص جرایم عمدی بود ولی مجازات‌های تکمیلی استثنائاً شامل جرایم غیر عمدی نیز می‌شدند. ديگر اين که مجازات‌های تکمیلی مخصوص جرایم تعزیری و بازدارنده بود ولی مجازات‌های تبعی شامل همه جرایم عمدی (حدود و قصاص و تعزیر و ...) می‌شدند. بعد از بررسی وجه اشتراک و تمايز مجازات‌های تبعی و تکمیلی در قانون سابق، حال به وجوه تمايز و اشتراک اين مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) می‌پردازيم.

۲-۳. در اسلامی قانون مجازات ۱۳۹۲

۱-۲-۳. وجوه اشتراک: در این قانون نیز هر دو دسته مجازات ناظر بر محرومیت های اجتماعی است و به لحاظ بیم حالت خطرناک متهم در نظر گرفته شده‌اند و هر دو ناظر بر جرایم عمدی هستند. اما در قانون جدید دامنه شمول مجازات‌های تکمیلی بیشتر شده و حتی به مواردی چون منع رانندگی با وسیله نقلیه، منع از داشتن دسته چک، منع از حمل سلاح، الزام به تحصیل و انتشار حکم محکومیت قطعی تسری پیدا کرده است (گلدوزیان، همان، ص ۷۸).

از ديگر موارد اشتراک اينکه دامنه شمول مجازات‌های تکمیلی مانند مجازات های تبعی، حدود، قصاص و تعزیرات را نیز در بر می‌گیرد. یعنی دامنه شمولیت آن گسترده شده است. ديگر اينکه حقوق اجتماعی که بموجب مجازات‌ها تبعی و تکمیلی از محکوم علیه سلب می‌شوند در مواردی مشابه هستند. مانند: انفصال از خدمات دولتی و عمومی و استخدام و اشتغال در کلیه‌ی دستگاه‌های حکومتی، منع از عضویت

در احزاب، گروه ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی و انتخاب شدن یا عضویت در انجمن، شوراها، احزاب و جمعیت‌ها و ... که در بند (ت) و (ذ) ماده‌ی ۲۳ و بندهای (ت) و (چ) ماده ی ۲۶ آمده است.

۳-۲-۲. وجوه تمایز: اعمال مجازات‌های تکمیلی در اختیار دادگاه است ولی مجازات‌های تبعی همیشه اجباری هستند. مجازات‌های تکمیلی همزمان با صدور رأی مورد حکم قرار می‌گیرد اما مجازات‌های تبعی پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان در مدت زمان مقرر در ماده‌ی ۲۵ محکوم را از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.

۴. ماهیت مجازات‌های تبعی و تکمیلی

در قانون مجازات اسلامی سال (۱۳۷۰) این مجازات به عنوان مجازات‌های تبعی و تکمیلی و در مواد ۱۹ و ۲۰ و ماده‌ی ۶۲ مکرر درج گردید و در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز این مجازات‌ها همان عنوان سابق خود یعنی مجازات‌های تبعی و تکمیلی را حفظ کرده است و با توجه به ماده ی ۹ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی می‌توان گفت محرومیت از بعض حقوق اجتماعی جنبه‌ی اقدام تأمینی و تربیتی داشته است (رهامی، ۱۳۸۰، ص ۱۰).

با وجود اینکه پس از اصلاح قانون مجازات عمومی، دیگر محرومیت از حقوق اجتماعی اعتبار خود را به عنوان «مجازات اصلی» از دست داده و تنها به عنوان مجازات تبعی و تکمیلی و بعضاً «اقدام تأمینی» مورد قبول مقنن قرار گرفته است، در عین حال محرومیت از بعض حقوق اجتماعی در پاره‌ای از جرایم و نسبت به افراد خاص، به عنوان مجازات اصلی اعتبار خود را حفظ کرده است (اردبیلی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۵). مانند مواد ۵۷۶، ۵۷۵ و ۵۷۲ قانون مجازات اسلامی که (محرومیت از مشاغل دولتی) در مواد مذکور نه به عنوان یک مجازات تبعی و تکمیلی، بلکه به عنوان یک مجازات اصلی مورد پذیرش مقنن واقع شده است.

با این حال محرومیت از حقوق اجتماعی چه به عنوان یک مجازات اصلی مورد استفاده واقع شود و چه به عنوان مجازات تبعی و تکمیلی، در هر حال ماهیت آن یک «اقدام تأمینی خنثی ساز» می باشد، در واقع در این گونه موارد فرض این است که وجود شخصی که مرتکب جرم شده در مشاغل دولتی و یا مراکز قانونگذاری و امثال آن، دفاع اجتماعی را به دلیل داشتن «حالت خطرناک» آسیب پذیر می سازد، بدین ترتیب در صورت تحقق چنین امری، جنبه ی حفظ امنیت و مصلحت جامعه بر مصلحت فرد برتری پیدا می کند.

هر چند که قانونگذار در ماده ی ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صراحتاً به نسخ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب (۱۳۳۹) اشاره کرده است. اما عملاً در این قانون، از مواد ، اصطلاحات و عبارات قانون اقدامات تأمینی و تربیتی استفاده نموده است. به عنوان مثال از مواد ۸، ۱۲، ۵ و ... قانون اقدامات تأمینی و تربیتی در قانون فعلی ، در مبحث مجازاتهای تبعی و تکمیلی استفاده شده است که این خود می تواند دلیلی بر داشتن ماهیت «تأمینی و تربیتی» مجازات های تبعی و تکمیلی باشد و در ماده ی ۲۴ قانون مجازات اسلامی هدف از اعمال مجازاتهای تکمیلی را جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرم بیان نموده است که در ماده یک قانون اقدامات تأمینی و تربیتی نیز هدف از اعمال این قانون، جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرمان خطرناک بود.

۵. اهداف مجازاتهای تبعی و تکمیلی

از اعمال مجازاتهای تبعی و تکمیلی اهداف متعددی مد نظر است که از مهمترین آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- تأمین دفاع جامعه در برابر خطر تکرار جرم، اصلاح مجرم و بازگشت او به جامعه : اگر مجرمین بتوانند بلافاصله پس از ارتکاب جرم به مثابه افراد ناکرده بزه وارد جامعه شوند و در عرصه جامعه به ایفای نقش بپردازند ممکن است به علت ضعف فضایل اخلاقی و عدم شایستگی اجتماعی به مصالح و منافع جامعه لطمه وارد نمایند. به این ترتیب قانونگذار با پیش بینی کیفرهای تبعی و تکمیلی در قانون که از مصادیق عمده آن محرومیت از حقوق اجتماعی است اقدام به پیش گیری از تکرار جرم از طریق خنثی سازی و طرد مجرمین از جامعه می کند(دانش پژوه، ۱۳۷۸، ص ۱۵).

ب- پاسخگویی به افکار عمومی جامعه: هدف دیگری که برای این مجازاتها می توان ذکر نمود به جای مجرم ریشه در ظرفیت و آمادگی ذهنی جامعه برای پذیرش مجرم دارد. مجرم پس از تحمل کیفر به طور طبیعی باید مدتی کم و بیش در انتظار پذیرش مجدد جامعه به سر ببرد تا خاطره ای ناگوار جرم از ذهن جامعه زدوده شود و جامعه آن واقعه ی مجرمانه را به دست فراموشی بسپارد.

ج- ملاحظات گزینشی و صلاحیتی: هدف دیگری که در این مجازاتها بالاخص در مورد محرومیتهای شغلی ناشی از آن مد نظر قرار گرفته، ملاحظات اداری ، گزینشی و صلاحیتی است. طبیعی است که بزهکار از لحاظ صلاحیت اخلاقی و اجتماعی نمی تواند با افراد ناکرده بزه در یک کفه ترازو قرار گیرد، چرا که او با ارتکاب جرم به نوعی باعث بدبینی جامعه به خود شده است. منظور از گزینش در استخدام، انتخاب صالح ترین و سالمترین افراد برای احراز مشاغل یا پستهای خاص است.

د - علاوه بر اهداف پیش گفته این مجازاتها با توجه به بار سنگین اجتماعی و اقتصادی که به همراه دارند علاوه بر هدف ارعاب و عبرت خود مجرم، می تواند ارعاب عمومی را نیز تأمین کند و بدین ترتیب باعث پیش گیری خاص در فرد مجرم و پیش گیری عام در سطح جامعه گردد(واعظی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۷۸).

۶. مجازاتهای تبعی و تکمیلی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فصل دوم از بخش دوم کتاب اول (کلیات)، از ماده ی ۲۳ تا ماده ی ۲۶ به مجازاتهای تبعی و تکمیلی اختصاص یافته است. در این مبحث به مقایسه مجازاتهای تبعی و تکمیلی در قانون فعلی و قانون مجازات اسلامی سابق و شرایط اعمال این مجازاتها می پردازیم.

۶-۱. مقایسه ی مجازاتهای تبعی و تکمیلی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با قانون سابق

۶-۱-۱. مجازاتهای تکمیلی :

نکاتی که در مورد ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی قابل تأمل است:

۱- چه در قانون مجازات اسلامی سابق و چه در قانون فعلی مصادیق مجازاتهای تکمیلی به صورت حصری بیان شده است و نمی توان به جای این موارد مثلاً از شلاق یا حبس یا جزای نقدی استفاده کرد.

۲- مثل قانون سابق دادگاه در اعمال این مجازاتها از آزادی عمل برخوردار نبوده و مجازات تکمیلی باید متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مجرم باشد. البته ضمانت اجرای عدم رعایت این دو مورد در قانون پیش بینی نشده است.

۳- طبق قانون فعلی، اعمال مجازات های تکمیلی در جرایم مستوجب حد، قصاص یا مجازات تعزیری تا درجه شش امکان پذیر است، اما در قانون مصوب ۱۳۷۰ این نوع مجازاتها فقط جرایم تعزیری را شامل می شد.

۴- طبق تبصره ۱ این ماده، مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست. این تبصره که در قانون سابق بیان نشده بود در جهت رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها پیش بینی شده است.

۵- این ماده اختیار اعمال مجازاتهای نامحدود را به قاضی داده و قاضی می‌تواند در سبک‌ترین جرایم، شخصی را به سالها اقامت در شهر یا روستای دور افتاده و بد آب و هوا محکوم کند (بخشی زاده و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۷۳).

۶- ویژگی بارز مجازات‌های تکمیلی، اختیاری بودن آن است. در قانون فعلی بعضی از مصادیقی که به عنوان مجازات تکمیلی در نظر گرفته شده مانند منع از عضویت در احزاب، گروهها و دستجات سیاسی یا اجتماعی با موازین حقوقی، حقوق بشر و حقوق شهروندی مغایر است. البته به طور قطع تعیین برخی مجازات‌ها مانند منع رانندگی درباره‌ی افرادی که بی‌احتیاطی می‌کنند یا جرایم متعدد راهنمایی و رانندگی را مرتکب می‌شوند برای مدت محدودی مفید خواهد بود.

۷- قانون سابق درباره مجازات‌های تکمیلی بسیار کلی بود اما در ماده ی ۲۳ قانون جدید مصادیق این مجازاتها بیان شده است. از سوی دیگر مناسب نیست که قانونگذار مثلاً افراد را به تحصیل الزام کند. قانون جدید مصادیق محرومیت‌های اجتماعی بیشتری را بر شمرده است در حقیقت این ماده مصادیق محرومیت‌ها را افزایش داده و به طور واضح‌تر بیان کرده است (حبیب زاده، روزنامه حمایت، ۱۳۹۲، ص ۵).

۸- در ماده ۲۳ این قانون قید عمدی بودن را برای جرمی که مجازات تکمیلی برای آن قابل صدور است نداریم که این امر به نظر می‌آید تعمداً تغییر یافته باشد. چرا که در بند (ث) این ماده آمده است: «منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری».

۹- در ماده ی ۱۹ سابق، مجازات‌های تکمیلی شامل اقامت در محل معین و یا منع اقامت در محل معین و محرومیت از حقوق اجتماعی بودند ولی در ماده ی ۲۳ قانون فعلی مجازات‌هایی به عنوان مجازات تکمیلی قید شده‌اند که ماهیت اقدام تأمینی دارند و با هدف مجازات تکمیلی سازگارترند.

۱۰- در مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ی ۲۳ الزام به انجام خدمات عمومی را داریم که با توجه به منع استثمار و کار اجباری که در قانون کار و حقوق بشر مورد تأکید است بهتر بود که اعمال این مجازات‌ها منوط به رضایت مجرم می شد (گرامی، ۱۳۹۲، ص ۲۸)

۱۱- آیا دادگاه می تواند در پرونده ای که با اعمال تخفیف مجازات به استناد ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مرتکب را به سه درجه کمتر از مجازات اصلی محکوم کرده است، مجازات تکمیلی موضوع ماده ۲۳ را نیز در حکم بیاورد؟ در جواب باید گفت که آنچه از نظر قانونگذار مهم است، محکومیت به یکی از مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش است و تفاوتی ندارد که این محکومیت با در نظر گرفتن تخفیف مجازات باشد یا بدون آن (مصدق، ۱۳۹۵، ص ۱۴۱ و ۱۴۲).

نکته در مورد ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی: مهمترین تفاوتی که در این قانون نسبت به قانون سابق وجود دارد در خصوص قسمت دوم این ماده است، به طوری که بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می تواند، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت مجازات تکمیلی وی اقدام کند. البته این که گفته شده «در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم» ملاک و ضابطه ای برای این موضوع در نظر گرفته نشده و بستگی به نظر قاضی خواهد داشت. در قانون سال ۱۳۷۰ نسبت به لغو یا کاهش مدت مجازات تکمیلی، ماده‌ای به چشم نمی خورد (بخشی زاده و دیگران، همان، ص ۷۸).

۲-۱-۶. مجازات‌های تبعی:

نکاتی که در خصوص ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی قابل ذکر است:

۱- در قانون سابق مصادیق مجازات‌های تبعی براساس تبصره ۱ ماده ۶۲ مکرر به دلیل استفاده از عبارت «از قبیل» در صدر ماده، جنبه حصری نداشتند (اردبیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷) لیکن در قانون مجازات فعلی با

توجه به تبصره ۱ ماده ۱۹ که عنوان می دارد: «موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های تبعی ذکر شده است» و با توجه به این که این موارد در ۱۲ بند در ماده ۲۶ احصاء شده است به نظر می‌رسد که مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی جنبه حصری پیدا کرده‌اند.

۲- همان طور که از صدر ماده پیداست، شمول مرور زمان مانع از اجرای مجازات‌های تبعی نبوده و این مجازات‌ها پس از شمول مرور زمان بر مرتکب اعمال خواهند شد.

۳- بر اساس مفهوم مخالف بند «پ» این ماده، محکومیت به شلاق تعزیری بر خلاف شلاق حدی، مجازات تبعی به دنبال ندارد. هم چنین است محکومیت به جزای نقدی، که در قانون سابق نیز این محکومیت‌ها مجازات تبعی به دنبال نداشتند.

۴- بر اساس مفهوم مخالف بند «ب» و «پ»، محکومیت به حبس تعزیری درجه شش، هفت و هشت فاقد مجازات تبعی می‌باشد.

۵- در صورتی که جرم ارتكابی غیر عمدی باشد، مجازات تبعی به همراه ندارد در عوض شرط اعمال مجازات‌های تکمیلی این است که جرم ارتكابی از جرایم تعزیری درجه یک تا شش باشد و عمدی یا غیر عمدی بودن آن مؤثر در مقام نخواهد بود.

۶- مبدأ شروع محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی، از زمان خاتمه اجرای حکم مجازات اصلی است مگر در خصوص آزادی مشروط که در آن مرتکب در زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرا حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد. اگر مجازات اصلی جرم ارتكابی مشمول مرور زمان شود مبدأ شروع محرومیت از حقوق اجتماعی، تاریخ شمول مرور زمان خواهد بود (بخشی زاده و دیگران، همان، ص ۸۴).

۷- چنانچه مرتکب پس از منتفی شدن اعدام به حبس محکوم شود ملاک محرومیت وی از حقوق اجتماعی اجرا نشدن اعدام خواهد بود نه حبس تعزیری تعیین شده (گلدوزیان، همان، ص ۷۸).

۸- از مفهوم مخالف تبصره ی (۱) چنین بر می آید که موارد مندرج در این ماده علاوه بر اینکه در پیشینه کیفری فرد درج می شود، در گواهی های صادره از مراجع ذیربط نیز منعکس می گردد و آنچه در گواهی های صادره از مراجع قضایی درج نمی شود، جزای نقدی، شلاق تعزیری و حبس درجه شش، هفت و هشت می باشد که در مورد آنها مجازاتهای تبعی اعمال نمی شود.

نکاتی که در خصوص ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی شایان ذکر است:

۱- مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی در تبصره ۱ ماده ۶۲ مکرر قانون سابق با ذکر عبارت «از قبیل» در صدر ماده به صورت تمثیلی بیان شده بود که این موضوع مخالف با اصل قانونی بودن مجازات ها بود، این ایراد در قانون جدید بر طرف شده و ماده ۲۶ دیگر از عنوان «از قبیل» استفاده ننموده و این مصادیق را در ۱۲ بند احصاء نموده است.

۲- در قانون سابق مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی هشت مورد ذکر شده بود که در قانون فعلی به ۱۲ مورد افزایش یافته است. از جمله بندهای «پ»، «خ» و «ر». همچنین نمی توان از تغییرات بوجود آمده در ماهیت هر یک از مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی چشم پوشی کرد. ۳- نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه بیان می دارد: «انفصال دائم از خدمات دولتی چنانچه در قانون به عنوان مجازات تعیین شده باشد همانند سایر محکومیت های کیفری درباره محکوم علیه لازم الاجرا خواهد بود و از شمول ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی و عنوان محرومیت از حقوق اجتماعی به معنای مذکور در این ماده و آثار مربوط به آن خارج است».

۴- در این ماده انتخاب شدن به ریاست جمهوری به داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری تغییر نموده است. عضویت در شوراهای حل اختلاف نیز در بند (ث) آمده است.

۵- نکته حائز اهمیت آن است که برخی مشاغل احصاء شده در بندهای یک و دو و سه محرومیتشان دائمی است که چنین محرومیتی و تصریح به آن در قانون موجب سرخوردگی فرد در جامعه می شود به علاوه که ثبت و ضبط آن سبب می شود که فرد عملاً از مابقی مشاغل هم محروم شود.

۶- این ماده با اضافه نمودن موارد جدیدی در بند های (۳ و ۱۲) بردامنه حقوق اجتماعی افزوده است.

اگر چه قانون مجازات اسلامی سابق در مواد ۱۹ و ۶۲ مکرر بصورت پراکنده به مجازاتهای تبعی و تکمیلی پرداخته بود، اما قانون فعلی با اختصاص فصلی مجزا تحت عنوان «مجازاتهای تکمیلی و تبعی» و هم چنین با افزودن مواد جدید سعی نموده است از هم گسستگی مواد قانون مجازات اسلامی سابق را جبران کند.

۲-۶. شرایط اعمال مجازاتهای تکمیلی

۱- طبق ماده ی ۲۳ قانون جدید مجازات اسلامی جرم ارتكابی چه عمدی باشد و چه غیرعمدی مشمول مجازات تکمیلی می شود چون در بند (ث) این ماده منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری آمده است هر چند که در متن ماده اشاره ای به قید عمدی بودن نشده است.

۲- محکومیت در این ماده شامل حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه ی یک است بنابراین در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت امکان اعمال چنین مجازاتهایی وجود ندارد و هم چنین در جرایم مستوجب دیه، البته با توجه به اینکه در همه موارد امکان اعمال مجازات قصاص وجود ندارد و

مجازات دیه به عنوان مجازات بدلی جایگزین آن می شود لذا به نظر می رسد در این موارد هم امکان اعمال چنین مجازاتهایی وجود داشته باشد.

۳- استفاده از آن حق یا اشتغال به آن کسب یا حرفه و شغل احتیاج به اجازه خاص مقامات دولتی داشته باشد.

۴- نوع مجازات تکمیلی بایستی متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مجرم اعمال گردد به عنوان مثال منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری در خصوص کسانی اعمال می شود که در اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات و مقررات دولتی توسط وسایل نقلیه موجب حادثه و ورود خسارات بدنی و مالی شوند.

۳-۶. شرایط اعمال مجازاتهای تبعی

۱- طبق نص صریح ماده ی ۲۵ قانون جدید مجازات اسلامی باید جرم ارتكاب یافته عمدی باشد بنابراین اعمال هر نوع مجازات تبعی در جرایم غیر عمدی خلاف قانون می باشد.

۲- استفاده از آن حق یا اشتغال به آن کسب یا حرفه و شغل احتیاج به اجازه خاص مقامات دولتی داشته باشد، در غیر این صورت اعمال محرومیت از حقوق اجتماعی، خلاف مقررات است. مثلاً حق شرکت در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری و امثال آن یک حق اجتماعی است ولی احتیاج به اجازه خاص مقامات دولتی ندارد و کلیه اتباع ایرانی در صورت رسیدن به سنی که قانون جهت رأی دادن تعیین کرده است و به شرط عدم جنون، می توانند از این حق استفاده کنند، اما حق انتخاب شدن به نمایندگی مجلس شورای اسلامی، یا مجلس خبرگان و شوراها و یا استخدام در مشاغل دولتی و عضویت در هیأت های منصفه و کانون و کلاء و مانند آنها احتیاج به اجازه خاص مقامات ذیصلاح دولتی دارد، در نتیجه این نوع حقوق مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی خواهد شد (رهامی، همان، ص ۱۴).

۳- شرط دیگر اعمال مجازات‌های تبعی قطعیت حکم کیفری است ، اینکه حکم دادگاه مراحل مختلف رسیدگی اعم از بدوی و تجدید نظر و فرجامی را طی کرده و یا مواعد آنها سپری شده باشد که در این صورت حکم ، قطعی محسوب می شود(آشوری، ۱۳۸۴، ص ۲۳۲).

۴- اعمال مجازات‌های تبعی پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان می باشد. مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که پس از آن ، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوی عمومی و سرانجام اجرای مجازات امکان پذیر نیست(آشوری ، همان، ص ۲۰۵). یعنی یا باید حکم اجرا شده باشد و یا اینکه مدتی گذشته باشد که دیگر تعقیب و تحقیق و اجرای مجازات امکان پذیر نباشد تا محکوم از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم گردد. البته با توجه به تبصره ی ۳ ماده ی (۲۵) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم علیه در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم است.

۱.۷. ایرادات و انتقادات وارده بر مجازات‌های تبعی و تکمیلی

ایرادات و انتقادات وارده بر مجازات‌های تبعی و تکمیلی به اختصار به شرح ذیل می باشند :

الف- محرومیت از حقوق اجتماعی برای عده‌ای از مجرمان بی‌تأثیر و فایده می‌باشد. زیرا کسانی که نسبت به حقوق و مزایای اجتماعی، سیاسی بی‌علاقه و بی تفاوت هستند این محرومیت‌ها هیچ گونه اثر بازدارندگی بر آنان ندارد(محمد نژاد، ۱۳۸۳، ص ۵۱).

ب- عدم تساوی نسبت به اشخاص مختلف نیز از دیگر ایرادات است زیرا محرومیت‌هایی وجود دارد که برای عده‌ای بسیار زجرآور و سنگین است اما نسبت به افراد دیگری بسیار ساده و سبک شمرده می‌شود.

ج- ایراد دیگر این نوع مجازات‌ها، خشک و غیر قابل انعطاف بودن آن است، به طور مثال شخصی که جرم سرقتی را مرتکب شده است شاید در شرایط خاص این جرم را انجام داده باشد که هیچ ارتباطی به

بی کفایتی وی در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی نداشته باشد که در چنین حالاتی محرومیت این فرد از حقوق اجتماعی تقریباً غیر عادلانه و نامناسب بوده که با ویژگی‌های مجرم نیز تناسبی نخواهد داشت.

د- مهمتر آنکه محرومیت از حقوق اجتماعی در حق یک محکوم خود می‌تواند جرم زا باشد. زیرا اغلب زمینه‌های شغلی را سلب می‌کند و شخص را در انزوا قرار می‌دهد و در نهایت به سوی ارتکاب اعمال مجرمانه سوق می‌دهد لذا صلاح است در صورت تبعی بودن مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی، صرفاً مصادق یا مصادیقی از آن را که متناسب و مربوط با جرم ارتكابی می باشد مورد حکم قرار گیرد تا موجب اصلاح و بازداشتن مجرم شده و برای اجتماع نیز فوایدی را در بر داشته باشد و هم چنین حقوق و امتیازات مشروع مجرم نیز بدون دلیل و غیر منطقی محدود نگردد (محمدنژاد، همان، ص ۵۲).

۸. نتیجه‌گیری

قانون مجازات اسلامی معیار مجازات های اصلی، تبعی و تکمیلی را برای تقسیم بندی مجازاتها پذیرفته است و با اختصاص فصلی مجزا تحت عنوان «مجازاتهای تبعی و تکمیلی» و هم چنین با اضافه نمودن مواد جدید سعی نموده است از هم گسستگی مواد قانون مجازات اسلامی سابق را جبران کند.

در قانون جدید بعضی از مصادیقی که به عنوان مجازات تکمیلی در نظر گرفته شده مانند منع از عضویت در احزاب، گروهها و دستجات سیاسی یا اجتماعی با موازین حقوق بشر و حقوق شهروندی مغایر است البته بطور قطع تعیین برخی مجازاتها مانند منع رانندگی درباره افرادی که بی احتیاطی می کنند یا جرایم متعدد راهنمایی و رانندگی را مرتکب می شوند برای مدت محدودی مفید خواهد بود.

در ماده ۲۶ برخی از مشاغل احصاء شده ، محرومیتشان دائمی است که چنین محرومیتی و تصریح به آن در قانون موجب سرخوردگی فرد در جامعه می‌شود به علاوه که ثبت و ضبط آن سبب می‌شود که فرد

عملاً از ما بقی مشاغل محروم شود. در این قانون دامنه محرومیت های اجتماعی گسترده شده است که این سیاست ناخواسته زمینه ساز و محرک مستقیم و غیر مستقیم محکومان، برای ورود مجدد آنها، به حوزه ی اعمال مجرمانه است. پس بهتر است که محرومیت های محدودی وضع شوند که برخورداری از آنها زمینه ساز ارتکاب جرم بوده است و از محرومیت هایی که حذف آنها نقشی در کاهش یا سلب توان بزهکاری ندارد اجتناب شود.

در ماده ۲۴ ضوابطی در خصوص امکان تخفیف مجازات های تکمیلی به صراحت مقرر شده است که باعث تشویق بزهکاران به پذیرش قواعد اجتماعی و ایجاد انگیزه در آنها برای دور شدن از حیطه جرم می شود خوب بود که مقنن چنین تخفیف و کاهش مجازاتی را در مجازات های تبعی نیز در نظر می گرفت. هر چند قانون مجازات اسلامی مصوب سال (۱۳۹۲) در مبحث مجازات های تبعی و تکمیلی دارای ایراداتی است اما من حیث مجموع در این قانون مجازات های مذکور بصورت منجسم و در فصلی جداگانه تدوین گشته است و با افزوده شدن موادی جدید، راه های تخفیف و کاهش این مجازات ها به صراحت بیان شده، که زحمات قانونگذار شایسته تقدیر و تشکر است.

کتابنامه

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ شانزدهم، نشر میزان، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۶.
۲. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ پنجم، انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
۳. بخشی زاده، امین و عارفی، آیناز، محشای قانون مجازات اسلامی جدید، ج ۱، چاپ اول، انتشارات اندیشه عصر، ۱۳۹۲.
۴. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، چاپ نهم، انتشارات سمت، بهار ۱۳۸۴.
۵. گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، ۳ جلدی، چاپ یازدهم، نشر میزان، پاییز ۱۳۸۴.
۶. اسکندی، محمدرضا، «بررسی ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی»، نشریه: حقوق «دادرسی» مهر و آبان ۱۳۸۲، شماره ۴۰.
۷. دانش پژوه، وهاب، «محروریت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه»، پایان نامه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۸.
۸. حبیب زاده، محمدجعفر، «مجازات های تبعی و تکمیلی در قانون مجازات»، گفتگو با روزنامه حمایت، ۹۲/۶/۷.
۹. واعظی، رضا و رستمی غازانی، امید، «مجازات های تبعی در فقه امامیه»، نشریه: حقوق «دیدگاه های حقوق قضایی» پاییز ۱۳۹۰، شماره ۵۵.

۱۰. رهامی، محسن، «ماهیت، آثار و مبانی شرعی مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی»، نشریه: میان رشته ای «مجتمع آموزش عالی قم»، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۱۱.
۱۱. محمد نژاد، پرویز، «محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق جزایی ایران»، نشریه: علوم تربیتی «اصلاح و تربیت» سال سوم، مهر ۱۳۸۳، شماره ۳۱.
۱۲. نکاتی از لایحه مجازات اسلامی از نوشته های حقوقی حسین گرامی، ۹۲/۳/۳.
۱۳. مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی (کلیات - مجازاتها، ج ۱، چاپ نهم، نشر جنگل، ۱۳۹۵